

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سرتن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

بحر طوفانی

در زمان بیدادگریهای تنظیمی سروده شده

ای جنون حیوانی، وی هوای نفسانی
این گروه درویشان، ظالم اند و بدکیشان
میکشند انسان را، میدرنند حیوان را
مرد باردا و ریش، زن به گور و در تشویش
قطع دست و پا کردن، فسق برملا کردن
ای فلک ز تو فریاد، ملک شد ستم ایجاد
زیر خرقة سالوس، خُددعه و فریب افسوس
ناخدا خدا گویان، کجـروان و کجپویان
باغ بی سرانجام است، جلوه طرب نام است
در چمن نمیابم بـزم عیش و گلبیزی
عندلیب و موسیقار، بسته لب ز موسیقی
یاسمن پر از گرد است، روی نسترن زرد است
رهروان این منزل، تا کمر فرو در گل
چند نفس سرکش را میگشی و میرانی
رم کنند از ایشان، بندگان سبحانی
با قیاس حیوانی در لباس انسانی
نی بنای اسلامی ست، نی نصاب قرآنی
سجده ریا کردن، با قبای روحانی
آب و خاک هم برباد، با هزار قربانی
وا ازین خداجـوئی، وا ازین مسلمانی
رفته از کفش سگان، بحر گشته طوفانی
صبح نیست این شامست، وه چه شام ظلمانی
مرغ را نمیبینم در نوا و خوشخوانی
تاردا و عمّـامه، میکند سخنرانی
هرچه هست پردرد است، هرچه هست ویرانی
صد دل اند و با یک دل، صد هزار حیرانی

تنگ چشمی زاهد می نبیند آدم را غیر قاصر و خاسر، غیر عاصی و زانی

خلوت است «اسیر» امشب باده ای به ساغر کن

ورنه غم نخواهد رفت از دلت به آسانی

(بُن - المان، می 1995 م)